

واکاوی دیدگاه‌ها درباره چرایی قیام عبدالله بن معاویه در کوفه

محمد باقری^۱

چکیده

عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب از شخصیت‌های مهم و مؤثر در تحولات جهان اسلام در نیمه اول قرن دوم هجری - قمری بود. سیمای او در کشاکش میان دوستان و به‌ویژه دشمنان که در دوستی و دشمنی نسبت به او زیاده‌روی کرده‌اند، در منابع با سوگیری بازتاب پیدا کرده است. این سوگیری در علت‌شناسی قیام وی در کوفه بیش از همه نمودار است. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف کشف چرایی قیام عبدالله بن معاویه در کوفه به روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد حدیثی - تاریخی انجام شد. بیشتر پژوهش‌هایی که تاکنون درباره عبدالله بن معاویه انجام شده است رویکرد توصیفی داشته‌اند، اما در پژوهش حاضر، با نگاهی انتقادی نسبت به منابع، قیام وی در کوفه علت‌شناسی شده است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که قیام عبدالله بن معاویه در کوفه به هواداری از تشیع و به دنبال قیام‌های زید بن علی و یحیی بن زید، پدر و برادر همسرش، انجام شده است.

واژگان کلیدی: قیام عبدالله بن معاویه، کوفه، قیام شیعی در کوفه، زید بن علی،

یحیی بن زید.

۱. مقدمه

نیمه اول قرن دوم هجری در جهان اسلام، تحولات و دگردیسی‌های بنیادینی را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به همراه داشت. گسترش سرزمین‌های اسلامی، ناتوانی سیاسی و نظامی خلفای اموی، نارضایتی‌های موالی، نزاع‌های اعراب شمالی و جنوبی، تفاوت حکمرانی خلفای اموی با سیره پیامبر خدا ﷺ و... شرایط بحرانی را بر فضای سیاسی جهان اسلام حاکم کرده بود. در چنین اوضاع و احوالی، برخی از نخبگان جامعه از شرایط پیش آمده راضی نبوده و خود را برای انجام تغییرات و اصلاحات بنیادین آماده می‌دیدند. عبدالله بن معاویه از نخبگانی بود که خواهان تغییر وضع موجود بود. وی از رجال برجسته جهان اسلام در نیمه اول قرن دوم هجری بود. وی از طرفی نواده جعفر بن ابی طالب (ابن قتیبه دیوبری، ۱۹۹۲) و از طرف دیگر، داماد امام سجاد علیه السلام (شهادت ۹۵ هـ.ق) (زبیری، ۱۹۵۸) و [بعدها] داماد زید بن علی علیه السلام (متوفی ۱۲۲ هـ.ق) بود (اصفهانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۲۸/۱۲). همچنین وی از دانشمندان، شعرا و سخنوران بزرگ زمان خود بود (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۳۳/۳۳، اربلی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۵۷/۸). عبدالله بن معاویه در کوفه در سال ۱۲۷ هـ.ق قیام کرد (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۲۷/۳) که البته از نظر نظامی شکست خورد (طبری، ۱۳۸۷، ۳۰۸/۷)، اما بلافاصله منطقه جغرافیایی قیام خود را تغییر داد و به ایران آمد. وی موفق شد مدت دو سال بر بخش‌های گسترده‌ای از مرکز و غرب ایران حکومت کند (ابوشیخ، ۱۳۰۹ هـ.ق، ۴۵۰/۸). در نهایت، پس از برچیده شدن دولت وی توسط امویان (طبری، ۱۳۸۷، ۳۷۲/۷) او به دست ابومسلم، نماینده عباسیان در خراسان کشته شد (اصفهانی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴۲/۲).

پس از مرگ عبدالله بن معاویه احوالات وی توسط گروه‌ها و جریان‌های فکری گوناگون روایت شد. تصویر متناقض و چندوجهی که در منابع گوناگون به ویژه در منابع تاریخی و فرقه‌نگاری از او ارائه شده است، سبب شده است که هدف عبدالله بن معاویه از قیام در کوفه و به تبع آن، تشکیل دولت در ایران در هاله‌ای از ابهام فرورود. ابهام علمی پژوهش حاضر، علت قیام عبدالله بن معاویه در کوفه در سال ۱۲۷ هـ.ق است. این سؤالات در مورد قیام وی مطرح است: آیا عبدالله بن معاویه به دعوت غالیان به کوفه آمده بود؟ راویان طبری (متوفی ۳۱۰ هـ.ق) درباره قیام عبدالله بن معاویه در کوفه چه کسانی بودند؟ این راویان چه



خاستگاهی داشتند و مسائل مهم در نگاه این راویان چه بوده است؟ در پژوهش حاضر، علت قیام عبدالله بن معاویه در کوفه در سال ۱۲۷ هـ.ق به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شد.

۲. پیشینه پژوهش

بسیاری از پژوهش‌های انجام شده درباره عبدالله بن معاویه به میزان زیادی از تصویری که در منابع ملل و نحل از وی ترسیم شده تأثیر پذیرفته است. مطالعه و نقد این آثار می‌تواند نقاط ضعف و قوت آنها را مشخص و لزوم پژوهشی نو را بیش از پیش آشکار کند. در پیشینه پژوهش حاضر، آثاری که قیام عبدالله بن معاویه در کوفه را بررسی کرده‌اند، معرفی می‌شود. از جمله ولوی در کتاب *تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی* فرقه حارثیه و حریبه را معرفی کرده است. از نکات قابل تأمل در این کتاب، طبقه‌بندی قیام عبدالله بن معاویه در شمار قیام‌های زیدی است (ولوی، ۱۳۶۷، ۱۳۷۱). به نظر می‌رسد این طبقه‌بندی به دلیل وقوع قیام عبدالله بن معاویه در ادامه قیام‌های زید و یحیی نبوده است، بلکه در این کتاب، کلیه قیام‌های شیعه پس از قیام یحیی تا اواسط دوره عباسی در زمره قیام‌های زیدی قلمداد شده است. با وجود اینکه بسیاری از پژوهشگرانی که درباره زید و یحیی تحقیق کرده و آثاری از خود برجای گذاشته‌اند، از عبدالله بن معاویه که ادامه‌دهنده راه ایشان بوده است، سخنی نگفته‌اند. این مسئله می‌تواند دلایل مختلفی همچون تصویری که منابع از عبدالله بن معاویه ترسیم کرده‌اند، داشته باشد. برای نمونه شریف القرشی (۱۳۹۳) در کتاب *پایمردی تا پای دار*، زندگی شهید جاودان زید بن علی را بررسی نموده است. بیاتی (۱۳۹۴) در کتاب *دو قیام*، قیام زید بن علی و پسرش، یحیی، را از نظر تاریخی بررسی نموده است. همچنین بحر العلوم (۱۳۸۵) نیز در کتاب *قیام یحیی بن زید*، زندگانی و قیام‌های زید و یحیی را مطرح کرده است، اما هیچ‌یک از این کتاب‌ها از عبدالله بن معاویه که قیامش به طور رسمی دنباله قیام‌های ایشان بوده است، نامی نبرده‌اند. روند فوق در آثاری که درباره زیدیه نوشته شده است نیز ادامه دارد. رحمتی (۱۳۹۳) در کتاب *زیدیه در ایران* از عبدالله بن معاویه سخن نگفته است. باین حال، برخی از این آثار، قیام عبدالله بن معاویه را دنباله قیام‌های زید و یحیی برشمرده‌اند مانند کتاب *تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری* اثر شامی (۱۳۶۷) و کتاب



تاریخ و عقاید زیدیه اثر سلطانی (۱۳۹۶).

از آنجا که در بیشتر آثاری که درباره زندگی امام صادق علیه السلام و بررسی قیام‌های شیعیان در عصر ایشان نوشته شده است از قیام عبدالله بن معاویه یاد نشده است، ممکن است این پرسش را که تأثیرگذاری زیاد مخالفان عبدالله بن معاویه بر منابع و ناآگاهی محققان از علت حقیقی قیام وی چقدر در این مسئله مؤثر بوده است، به ذهن خواننده متبادر کند. برای نمونه شهیدی (۱۳۸۴) در کتاب *زندگانی امام صادق علیه السلام*، علی دوست خراسانی (۱۳۹۱) در کتاب *پرتوی از زندگانی امام صادق علیه السلام*، نیکو (۱۳۹۱) در کتاب *زندگی نامه امام جعفر صادق علیه السلام* و محمدزاده (۱۳۹۳) در کتاب *جعفر بن محمد امام صادق علیه السلام از قیام و دولت عبدالله بن معاویه* یاد نکرده‌اند. از معدود آثاری که در ذیل قیام‌های عصر امام صادق علیه السلام به قیام عبدالله بن معاویه نیز اشاره کرده‌اند کتاب تشیع در تاریخ اثر خضری (۱۳۹۱) را می‌توان نام برد. در این کتاب آمده است: «عبدالله بن معاویه موفق نشد که نظر امام صادق علیه السلام (شهادت ۱۴۸ هـ) را جلب کند» (خضری، ۱۳۹۱). از آنجا که امام صادق علیه السلام در حدیثی خطاب به عبدالله بن معاویه درباره چگونگی حکومت کردن، او را به تقوی سفارش کرد (مجلسی، ۱۴۳ هـ.ق، ۱۹۷/۷۵) این احتمال که مؤلف، این حدیث امام صادق علیه السلام درباره عبدالله بن معاویه را ندیده باشد، مفروض است. از معدود آثاری که قیام و دولت عبدالله بن معاویه را دنباله رو قیام‌های زید و یحیی می‌داند کتاب *تاریخ اسلام در آسیای مرکزی تا حمله مغول* اثر شیخ نوری است (۱۳۸۸). کتاب *قیام‌های شیعی (کرم‌اللهی، ۱۳۹۰)* نیز همین نظر را تأیید کرده است. در کتاب *جهاد شیعه در دوره اول عباسی (مختاراللهی، ۱۳۸۴)* نیز همین نظر مطرح شده است.

غضنفری (۱۳۸۹) در بررسی تطبیقی قیام‌های شیعی عصر اموی و علل عدم توفیق آنها، قیام عبدالله بن معاویه را در ذیل قیام‌های هاشمی دسته‌بندی کرده است. آذری مهر (۱۳۹۳) در کتاب *آسیب‌شناسی جنبش‌های علویان در دوره اول عباسی*، غلامی (۱۳۹۳) در کتاب *قیام‌های علویان در ایران از آغاز خلافت عباسی تا پایان قرن سوم و علیزاده (۱۳۹۷)* در کتاب *پیامدهای اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی مهاجرت علویان به ایران تا برآمدن آل بویه*، قیام عبدالله بن معاویه را در ذیل قیام‌های شیعی دسته‌بندی کرده و آن را تشریح می‌کند. جعفریان (۱۳۹۳) در کتاب *تاریخ خلفا قیام عبدالله بن معاویه* را در خلال بررسی

قیام‌های شیعی مطرح کرده است. او همچنین به تناقضات مطالب ابوالفرج اصفهانی درباره عبدالله بن معاویه، نقش عباسیان در تخریب شخصیت و قیام او و لزوم تفکیک عقاید وی از عقاید منسوب به او اشاره کرده است که نویسنندگان پیش از وی کمتر به آن توجه کرده‌اند. از کتاب‌هایی که درباره قیام‌ها و دولت‌های شیعیان سخن گفته‌اند، ولی قیام و دولت عبدالله بن معاویه را از قلم انداخته‌اند، می‌توان به کتاب *دولت‌های علوی (محرمانه)*، (۱۳۹۰) اشاره کرد. *شعبان در کتاب فراهم آمدن زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نهضت عباسیان در خراسان* (۱۳۸۶) ذیل قیام‌های ناموفق شیعیان از قیام عبدالله بن معاویه نیز یاد کرده است.

۳. دیدگاه‌ها درباره علت قیام عبدالله بن معاویه در کوفه

در مورد علت قیام عبدالله بن معاویه شش دیدگاه ارائه شده است. دیدگاه‌های یک و دو ناظر به ارزیابی روایات درباره دعوت غالیان حریبه و مغیریه از عبدالله بن معاویه برای قیام در کوفه است. این روایات در منابع فرقه‌نگاری آمده است. دیدگاه‌های سوم، چهارم و پنجم به ارزیابی روایات طبری در ذیل حوادث سال ۱۲۷ هـ.ق اختصاص دارد. طبری در ذیل حوادث این سال، چندین روایت درباره علت قیام عبدالله بن معاویه از سفر به کوفه و قیام در این شهر را ذکر کرده است. اینکه آیا عبدالله بن معاویه برای دریافت هدیه به کوفه آمده بود؟ آیا قیام عبدالله بن معاویه در کوفه تصادفی بود و آیا قیام عبدالله بن معاویه محصول اختلاف قبایل بود؟ عللی است که طبری برای سفر و برای قیام ابن معاویه در کوفه ذکر کرده است. در دیدگاه‌های یاد شده روایات طبری در این مورد ارزیابی شده است. در دیدگاه ششم، نظر نهایی نویسنده پژوهش حاضر، علل حقیقی قیام محمد ابن معاویه در کوفه که همان قیام به هواداری از تشیع و در ادامه قیام زید و یحیی (متوفی ۱۳۵ هـ.ق) بوده، آمده است.

۳-۱. پیوستن حریبه به عبدالله بن معاویه

بسیاری از منابع ملل و نحل به اختصار درباره پیوستن حریبه به عبدالله بن معاویه سخن گفته‌اند. این منابع نوشته‌اند: «گروهی که پیروان عبدالله بن عمرو بن حرب کندی بودند وقتی دیدند علم و دیانتی که شایسته امام است در او وجود ندارد برای یافتن امام به مدینه رفتند و با





عبدالله بن معاویه برخورد کردند. او آنها را به سوی خود دعوت کرد و آنها نیز امامت وی را پذیرفتند؛ (اشعری قمی، ۱۳۶۰، اشعری، ۱۳۶۲، خوارزمی، ۱۴۲۸ هـ.ق، شهرستانی، ۱۳۸۷، ۱۹۸۸). در میان ملل و نحل نویسان، اشعری قمی (متوفی ۳۰۰ هـ.ق) به تفصیل در این باره سخن گفته است که خلاصه آن عبارتند از: «سبب ادعای امامت از سوی عبدالله بن معاویه آن بود که حریبه آن گاه که عبدالله بن عمرو مدعی وصایت ابوهاشم شد درباره او به اختلاف افتادند و دو فرقه شدند: گروهی ادعای او درباره وصیت ابوهاشم را تصدیق کردند و گروهی دیگر او را تکذیب کردند و اراده شان بر آن شد که به مدینه بروند و امامی از بنی هاشم طلب کنند. پس همچنان که در مدینه متحیر بودند کسی به عبدالله بن معاویه خبر در جستجوی امام بودن ایشان را رساند و او کسانی را در پی ایشان فرستاد. چون به نزدش رفتند، پس سخنش را پذیرفتند و او را به امامت برگزیدند» (اشعری قمی، ۱۳۶۰).

۳-۱-۱. تحلیل پیوستن حریبه به عبدالله بن معاویه

احتمال دارد این روایت در دوره عباسیان ساخته شده است؛ زیرا عبدالله بن معاویه در طول قیام و دولت خود مدعی وصایت از ابوهاشم نبوده است. در حالی که اگر وصایت از ابوهاشم برای مردم ارزشمند تلقی می شد، به احتمال عبدالله بن معاویه چنین ادعایی می کرد. (باقی، ۱۴۰۱) احتمال می رود عباسیان در زمان تشکیل خلافت، این روایت را برای جذب پیروان حریبه ساخته باشند؛ زیرا بر اساس داوری ابوریاح به فرض صحت آن، هنگامی که هواداران عبدالله بن معاویه متوجه عدم صحت ادعای وی شدند بیشتر آنها به عباسیان پیوستند (نوبختی، ۱۳۹۱، اشعری قمی، ۱۳۶۰، اشعری، ۱۳۶۲، شهرستانی، ۱۳۸۷، ۱۹۹۸). بر این اساس، پیروز نهایی این روایت، عباسیان بودند. در صورت صحت این روایت، حریبه در مدائن زندگی می کردند (اشعری قمی، ۱۳۶۰). بنابراین، این سؤال مطرح می شود که آیا نمی بایست عبدالله بن معاویه به دعوت ایشان به مدائن می رفت نه به کوفه. همچنین در صورت صحت این روایت، لزوم قیام وی نیز منتفی می شود؛ زیرا باید فقط برای دیدار عده ای از طرفداران خود به مدائن می رفت و بازمی گشت. اگر پیروان ابن حرب به دلیل دروغ گویی های وی به عبدالله بن معاویه روی آورده بودند، چگونه است که در منابع ملل و نحل، گفته هایی مشابه همان گفته های ابن حرب به عبدالله بن معاویه نسبت داده شده است، ولی هواداران عبدالله بن معاویه از دور او پراکنده نشدند در حالی که باید او را ترک می کردند. صحت چنین ادعاهایی نسبت به عبدالله بن

معاویه بعید است. اینکه در منابع ملل و نحل آمده است که ابن حرب پس از مرگ عبدالله بن معاویه موفق شد به طور مجدد بر پیروانش ریاست کند (اشعری قمی، ۱۳۶۰) برهانی است بر اینکه وی توانسته از نو عقاید افراطی خود را به یارانش بقبولاند یا به دانش کافی برای اداره امور دست یافته و یا توان حل مشکلات پیروانش را به دست آورده باشد. برخی از اشتباهات و آشفتگی‌های واضح در کتب ملل و نحل را از متن خود این آثار می‌توان یافت. برای نمونه و با استناد به ضعف محتوایی همین روایت، به نظر می‌رسد که پیروان ابن حرب به عبدالله بن معاویه نپیوستند و این داستان مجعول برای دیدگاه علت ورود عبدالله بن معاویه به کوفه توسط دشمنان وی و برای پنهان کردن علت حقیقی سفر وی به کوفه ساخته شده باشد.

۲-۳. پیوستن مغیره به عبدالله بن معاویه پس از مرگ نفس زکیه

در روایتی نادر در منابع ملل و نحل که بغدادی (متوفی ۴۲۹هـ.ق) آن را گزارش کرده، آمده است: «سبب پیروی پیروان عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب از ایشان آن بود که پیروان مغیره بن سعید پس از کشته شدن محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی (نفس زکیه) از مغیره بن سعید روی گردانید. زان پس از کوفه به مدینه آمده در جست‌وجوی امامی برای خود بودند تا اینکه عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر به ایشان برخورد و آنها را به سوی خود خواند و گفت که او پس از [امام] علی علیه السلام و فرزندان او که از پشت او بودند، امام است. پس به او دست بیعت دادند و او را به امامت خود برگزیدند و به کوفه بازگشتند.» (بغدادی، ۱۲۸۸)

۱-۲-۳. تحلیل روایت پیوستن مغیره به عبدالله بن معاویه پس از مرگ نفس زکیه

به احتمال، بغدادی در نوشتن اسامی مرتکب اشتباه شده است و به جای نام‌های حریه و عبدالله بن حرب، از مغیره و مغیره بن سعید نام برده است. از دیگر سو، نفس زکیه سال‌ها پس از مرگ عبدالله بن معاویه در سال ۱۴۵هـ.ق قیام کرد. (محلّی، ۱۴۲۳هـ.ق) روایت مذکور به وضوح با قرائن قطعی تاریخی مغایرت دارد و هیچ گزارش تاریخی این روایت را تأیید نمی‌کند. باید توجه کرد که درباره تغییر بیعت مغیره از مغیره بن سعید به عبدالله بن معاویه در منابعی مانند *المقاتلات والفرق* که به معرفی و بررسی مغیره بن سعید و پیروانش به تفصیل پرداخته‌اند، ذکری به میان نیامده است. اگر مغیره و حریه، عبدالله بن معاویه



را به کوفه فراخوانده بودند، طبیعی بود که این دو گروه به جای زیدیه و ربیعیه تا آخرین لحظه از عبدالله بن معاویه حمایت می‌کردند و از ایشان در زمره حامیان عبدالله بن معاویه در کوفه و ایران در منابع یاد می‌شد، اما هیچ روایتی از حضور ایشان در قیام و دولت عبدالله بن معاویه ذکر نشده است.

۳-۲-۲. گرفتن جایزه

اولین بار، طبری (متوفی ۳۱۰ هـ.ق) به نقل از عاصم بن حفص تمیمی، هدف عبدالله بن معاویه از آمدن به کوفه را گرفتن صله ذکر کرده و نوشته است: «عبدالله بن معاویه قصد قیام نداشت و برای گرفتن جایزه از عبدالله بن عمر (متوفی ۱۲۸ هـ.ق)، حاکم کوفه، به عراق آمده بود. او با برادرانش حسن^۱ و یزید وارد کوفه شد» (ابن خیاط، ۱۴۱۵ هـ.ق، طبری، ۱۳۸۷، ۳۰۲/۷). «عبدالله بن عمر نیز مقدم او را گرامی داشت و برای او و هریک از برادرانش روزی سیصد درهم مقرر نمود» (مسکویه رازی، ۱۳۷۹، ۱۳۲۳/۳، ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۱۵/۳۳، ازدی، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۲۵۸/۸). بسیاری از نویسندگان پس از طبری نیز این مطلب را بازگو کرده‌اند. پیش از بررسی روایت لازم است توضیحاتی درباره تاریخ طبری که دیدگاه حاضر و دیدگاه‌های چهار و پنج نخستین بار در این اثر آمده است، داده شود.

بسیاری از منابع تاریخ‌نگاری به قیام و دولت عبدالله بن معاویه اشاره نکرده‌اند. برخی نیز بسیار اندک و گذرا از آن یاد کرده‌اند. فقط طبری روایات مختلفی درباره قیام و دولت عبدالله بن معاویه در هفت صفحه گردآوری کرده است. طبری به زندگی عبدالله بن معاویه پیش از قیام در کوفه اشاره‌ای نکرده و از بیان بسیاری از ابعاد زندگی وی چشم‌پوشی کرده است. فقط در ذکر حوادث سال ۱۲۷ هـ.ق به قیام عبدالله بن معاویه در کوفه، و در ذکر حوادث سال ۱۲۹ هـ.ق، به دولت وی در ایران اشاره نموده است. همچنین علت قیام او در کوفه و سرانجام زندگی عبدالله بن معاویه را نیز بیان نکرده است. در مجموع، بیشتر روایت‌ها را از نگاه مخالفان او بیان کرده است؛ افزون بر اینکه برخی از مطالب از نظر زمانی، نادرست است. چنین به نظر می‌رسد که طبری سعی بر ایجاد وحدت در جامعه داشت

۱. حسن بن معاویه بن عبدالله بن جعفر در زمان قیام نفس زکیه به حکومت مکه منصوب شد. وی چون به مکه رسید نیروهایی را برای کمک به نفس زکیه فراهم و به سوی مدینه حرکت کرد. در ناحیه قدیر، خبر قتل نفس زکیه به او رسید. از این رو، مردم از پیرامونش پراکنده شدند و او از راه بسقه به بصره رفت و به ابراهیم پیوست. (بلاذری، ۱۳۱۷ هـ.ق، ۴۳۵/۳) در روایت دیگر آمده است: «وی در مکه بود که خبر شکست نفس زکیه را شنید. پس از شکست وی پنهان شد. سپس تلاش کرد با گروهی از آل ابی طالب علیه‌والی مکه یعنی، جعفر بن سلیمان عباسی قیام کند، ولی جعفر بر او دست یافت و او را زندانی کرد. او در طول خلافت منصور زندانی بود و مهدی او را آزاد کرده (اصفهانی، ۳۴۹).

و نمی‌خواست عباسیان را که قاتل عبدالله بن معاویه و خلیفه وقت بودند در چشم مردم زشت جلوه دهد. بر همین اساس، بیشتر روایات طبری، علیه عبدالله بن معاویه است؛ زیرا قیامی علیه امویان بود و سرانجام توسط ابومسلم خراسانی، نماینده عباسیان در خراسان، به قتل رسید و عباسیان یعنی، دشمنان عبدالله بن معاویه بر سریر خلافت تکیه زدند و قدرت را از آن خویش کردند.

طبری تاریخ امویان را از عوانه بن حکم، مدائنی، عمر بن شبه و دیگران آورده و تاریخ عباسیان را نیز از احمد بن ابی خثیمه، مدائنی و... نقل کرده است. منابع طبری بیشتر متعلق به عراق است؛ زیرا در عراق می‌زیست. (آینه‌وند، ۱۳۶۸) راوی‌های طبری در تدوین قیام و دولت ابن معاویه عبارتند از: ابومخنف لوط بن یحیی، عاصم بن حفص، ابو عبیده معمر بن مثنی، مدائنی و نوفلی. آینه‌وند مهمترین ویژگی‌های مکتب تاریخ‌نگاری عراق را تحزب بر بنیاد سیاست، قبیله، سرزمین و شهر در آثار راویان این مکتب می‌داند. برای مثال، می‌توان به ابومخنف، عوانه بن حکم و سیف بن عمر اشاره کرد که براساس علاقه علوی شامی و با نگرش قبیله‌ای تاریخ را تدوین کرده‌اند. به سبب بهره‌گیری از شعر و قصه و بحث‌های مجالس و تساهل در نقد آن، مقدار قابل ملاحظه‌ای از این آثار در این مکتب رخنه کرده و بدان صدمه وارد کرده است. در پژوهش‌های تاریخی و با تأثیر از رواج شعوبی‌گری به عصبیت قبایل و شرح زندگی اشراف قبایل توجه ویژه کرده‌اند (آینه‌وند، ۱۳۸۷).

اشخاصی که پیشتر، آنها را راویان طبری می‌نامیدند همگی از طرفداران مکتب تاریخ‌نگاری عراق هستند. نویسندگان این مکتب بیش از جست‌وجو و بیان حقیقت به دنبال برتری قبیله خود و متحدانشان بر دیگر قبایل بوده‌اند. اینکه بیشتر این نویسندگان به تخریب شخصیت و جنبش عبدالله بن معاویه که از اعراب شمالی بوده است، پرداخته‌اند ناشی از نزاع میان قبایل به‌ویژه قبایل شمالی و جنوبی است به‌گونه‌ای که این تفکر در خلال گزارش دولت عبدالله بن معاویه در ایران و به‌ویژه قیام او در کوفه در تاریخ طبری نیز منعکس شده است.

تحلیل روایت: بسیار بعید است عبدالله بن معاویه که گزارشی مبنی بر مشکل مالی در زندگی او گزارش نشده است، فقط به دلیل گرفتن صله، آن هم از مدینه به کوفه آمده باشد.



برخی از راویان و نویسندگان متقدم که از عباسیان تأثیر پذیرفته بودند یا متأثر از نزاع‌های قبیله‌ای بین اعراب به ویژه قبایل شمالی و جنوبی بودند، قصد داشتند ذهن مخاطب را از بازشناسی علت مهاجرت عبدالله بن معاویه به کوفه دور کنند. این مسئله نیز که عبدالله بن عمر به عبدالله بن معاویه صلّه داده است (در صورت صحت)، به دلیل بزرگداشت مقام عبدالله بن معاویه بوده است؛ یعنی سنتی که از زمان عمر بن خطاب گذاشته شده بود و در زمان خلفای اموی نیز انجام می‌شد و به بزرگان جامعه اسلامی صلّه و حقوق می‌دادند. برای عبدالله بن معاویه نیز بدین دلیل که از بزرگان بنی هاشم بود و در نزد ابن عمر مقامی بزرگ و والا داشت، مواجبی مقرر کرده بودند.

راوی روایت، عاصم بن حفص تمیمی در بصره می‌زیست (جاحظ، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۱۵۵/۲، بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲۲۱/۸) و بیشتر به اخبار بصره و حوادث مربوط به آن اهتمام داشت و از گرایش بصری‌ها به عثمانی‌گری و نیز خوارج بی‌بهره نبود. وی از مورخان مکتب تاریخ‌نگاری عراق بود و به قبیله تمیم دلبستگی زیادی داشت. کتاب/ اخبار تمیم از عاصم است. او در گزارش‌هایش سعی در بزرگ کردن اخبار تمیم و کوچک کردن اخبار سایر قبایل عرب از جمله بنی هاشم و قریش داشته است. وی دلسوز و هواخواه عبدالله بن معاویه که شیعه بود و هم با خوارج به فرماندهی شیبان خارجی جنگیده و هم از قبیله‌ای غیر از قبیله تمیم بود در نگاه عاصم بن حفص جایگاه مناسبی نداشت. (باقری، ۱۴۰۱، ص ۱۸۳)

۳-۲-۳. تصادفی بودن قیام عبدالله بن معاویه

به استناد برخی منابع، رهبری عبدالله بن معاویه برای این جنبش، تصادفی بوده است. او فقط یکی از اعضای خاندان پیامبر ﷺ بود که در زمانی که دشمنان خاندان اموی در کوفه به رهبر نیاز داشتند در کوفه حضور داشته است. (ر.ک.، طبری، ۱۳۸۷، ۳۰۴/۷، ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ۳۲۵/۵)

تحلیل روایت: تنها منبعی که به تفصیل درباره ورود عبدالله بن معاویه به کوفه سخن گفته تاریخ طبری است. در روایاتی که طبری درباره قیام عبدالله بن معاویه آورده است، دلیل اصلی ورود عبدالله بن معاویه به کوفه پنهان مانده به طوری که خواننده می‌پندارد قیام عبدالله بن معاویه در کوفه، تصادفی و اتفاقی بوده است. منابع دیگر نیز که به موضوع قیام عبدالله بن معاویه اشاره کرده‌اند همگی به اختصار بوده و به این مهم اشاره چندانی

نکرده‌اند. در دیگر گزارش‌های تاریخی آمده است: «عبدالله بن معاویه از مدینه برای انجام کار مهمی به کوفه رفته بوده» (ابن خیاط، ۱۴۱۵ هـ.ق، بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۴۱۹/۲). بنابراین، واضح است بیهوده طی کردن راه طولانی میان مدینه تا کوفه توجیهی ندارد. این مطلب که قیام عبدالله بن معاویه در کوفه بدون برنامه‌ریزی انجام شده باشد، پذیرفتنی نیست؛ زیرا شیعیان کوفه در حال آماده‌سازی خود برای قیام علیه امویان بودند و عبدالله بن معاویه که از خانواده زید بود برای رهبری ایشان به کوفه رفته بود. همین‌که عبدالله بن معاویه و یارانش صبر کردند و قیامشان را وقتی علنی کردند که حاکم کوفه، عبدالله بن عمر بن عبدالعزیز، در شهر نبوده (طبری، ۱۳۸۷، ۳۰۵/۷) و مدیریت شهر آسیب‌پذیر بوده است، حاکی از این است که آنها فعالیت‌های خود از قبل را برنامه‌ریزی کرده بودند.

۳-۲-۴. قیام وی محصول اختلاف قبایل بود

طبری به نقل از عاصم بن حفص تمیمی، قیام عبدالله بن معاویه را محصول اختلاف قبایل دانسته و نوشته است: «چون اختلاف قبایل رخ داد مردم کوفه به او روی آوردند». (طبری، ۱۳۸۷، ۳۰۶/۷) تحلیل: در بیشتر نبردهایی که در عصر اموی و عصر اول عباسی رخ داده است، اختلافات قبایل نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. در همین دوره، قیام‌هایی که توسط شیعیان رخ داده است بیش از آنکه عامل قبیله و نژاد در آن دخیل باشد عقیده و باور و جهاد برای عقیده در آن نقش داشته است. برای نمونه باید قیام امام حسین علیه السلام، قیام زید بن علی و قیام یحیی بن زید اشاره کرد که با عده معدودی از افراد مؤمن و متقی به وقوع پیوستند. بنابراین، می‌توان گفت که عامل قبیله و نژاد در وقوع قیام‌های مذکور دخیل نبوده و فقط بر بنیان عقیده شکل گرفته‌اند. هسته اصلی پیروان عبدالله بن معاویه، زیدیه و ربیعیه بوده‌اند که به تشیع شهرت داشته‌اند. تمام روایاتی که طبری در ذیل قیام عبدالله بن معاویه ذکر کرده است توسط راویانی که به مکتب تاریخ‌نگاری عراق تعلق دارند، روایت شده است. راویان این مکتب در تعیین عوامل، سهم بسیاری را به نزاع‌های قبایل و مفاخرات قبیله‌ای داده‌اند. طبیعی است که به دلیل همین پس‌زمینه ذهنی، قیام عبدالله بن معاویه را نیز از این منظر بررسی کرده باشند. واضح است که در یک جنگ بزرگ که صدها یا هزاران تن در آن شرکت کرده‌اند تشخیص انگیزه تک‌تک افراد حاضر در جنگ میسر نیست. شاید افرادی





در هردو سپاه بوده باشند که با انگیزه‌های قبیله‌ای و نژادی جنگیده‌اند، اما این ذهنیت را نمی‌توان به تمام افراد دو سپاه تعمیم داد.

۳-۲-۵. قیام شیعی علیه امویان در ادامه قیام‌های زید و یحیی

آنچه تاکنون بررسی شد، ذهنیت نویسندگانی بود که با تأثیر از عباسیان یا نزاع‌های میان اعراب و به دلیل کتمان هدف اصلی مهاجرت عبدالله بن معاویه به کوفه، روایت شده بود. عبدالله بن معاویه بنا به دعوت یاران خود از زیدیه و قبیله ربیعیه که به تشیع مشهور بودند (جعفریان، ۱۳۹۲) و برای ادامه قیام زید و یحیی، پدر و برادر همسرش، به کوفه آمده بود. شیعیان کوفه که هنوز از شکست زیدبن علی پس از اعلام قیام و تنها گذاشتن او سرافکننده بودند، در صدد اعاده حیثیت خود و انتقام خون زید و یحیی بودند (بلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۳/۳۹۸). آنها با انگیزه بسیار زیاد، خود را برای قیام علیه امویان آماده می‌کردند و در جست‌وجوی رهبری از خانواده زید و طالبی‌نسب بودند تا هنگامی که خلافت امویان به دلیل اختلافات و جنگ‌های داخلی بسیار آسیب‌پذیر شده بود، قیام خود را علنی کنند (بلمی، ۱۳۷۳، ۴/۹۹۴).

فرزندان زید برای ادامه قیام‌های زیدی هنوز کوچک بودند. یحیی نیز که پیش‌تر شهید شده بود فقط ۱۸ سال داشت و دیگر فرزندان زید نیز خردسال بودند. به همین سبب، عبدالله بن معاویه که داماد امام سجاد علیه السلام (زبیری، ۱۹۵۸) و نیز داماد زید و همسر خواهر یحیی (اصفهانی، ۱۳۱۵ هـ.ق، ۳/۲۳۸) و از خانواده جعفر بن ابی طالب بود (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۹۲) رهبری قیام علیه امویان را برعهده گرفت. اگرچه این انگیزه و دلیل آن در هیچ‌یک از منابع تاریخی نیامده است، آن را از جای جای قیام عبدالله بن معاویه می‌توان دریافت کرد. زیدیه و ربیعیه برای وی بیعت گرفتند و از او خواستند که رهبری ایشان را برعهده بگیرد (طبری، ۱۳۸۷، ۳۰۵/۷، سکویه رازی، ۱۳۷۹، ۳/۲۲۲، ابن جوزی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۷/۲۵۸). آنها در میدان نبرد دلاورانه جنگیدند و شجاعت بسیاری از خود نشان دادند (طبری، ۱۳۸۷، ۷/۳۰۷) و پس از اینکه در جنگ شکست خوردند در جنگ خیابانی نیز شجاعانه جنگیدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۵/۳۲۷). آنها پس از مقاومت دلیرانه‌ای در نهایت برای قبیله ربیعیه و زیدیه و عبدالله بن معاویه و نزدیکانش، از عبدالله بن عمر امان‌نامه گرفتند و ورود عبدالله بن عمر به کوفه را به زمانی موکول کردند که ابن معاویه و نزدیکانش به سلامت از کوفه رفته باشند (ذهبی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۷/۱۷).

در کنار زیدیه، قبیله ربیع که آنها نیز پیشینه شیعی داشتند بیشترین جان فشانی‌ها را به منصف ظهور رساندند. همچنین با تعمق در شعر قاضی تنوخی، از دانشمندان قرن سوم هجری^۱ و توجه به داستان اعور کلیبی^۲، مشخص می‌شود که ابن معاویه در نگاه معاصران خود نیز وارث زید و یحیی بوده است. روح‌الله بهرامی می‌نویسد: «در این زمان، هنوز نظریه سیاسی زیدیان درباره امامت فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به شرط قیام با شمشیر به طور کامل شکل نگرفته بود، اما فقط قیام یکی از بنی هاشم کافی بود تا بازماندگان زیدی را که از حکومت امویان انزجار داشتند به همراهی با قیام‌ها و شورش‌های ضد اموی راغب سازد. البته، عبدالله بن معاویه پیوندهایی نیز با زید داشت. از سویی، او از طالبیان بود و از سوی دیگر، همسرش، یکی از خواهران زید بن علی بود. اشعاری نیز به عبدالله بن معاویه منسوب است که در ستایش زید و یحیی و نکوهش کشتگان آنها سروده بوده (بهرامی، ۱۳۸۳).

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور دریافت پاسخ مناسب درباره علت حقیقی قیام عبدالله بن معاویه در کوفه بوده است. در منابع تاریخی و فرقه‌نگاری، پنج علت برای مهاجرت عبدالله بن معاویه به کوفه که منجر به قیام او شد، بیان شده است که عبارتند از: نخست اینکه، آمدن عبدالله بن معاویه به کوفه با دعوت حریه بوده است. دوم آنکه، وی به دعوت مغیره به کوفه آمده بود. سوم اینکه، برای دریافت هدیه به کوفه آمده بود. چهارم اینکه، قیام وی در کوفه تصادفی بوده است و پنجم اینکه، قیام وی حاصل اختلاف قبایل بوده است. در پژوهش حاضر این علل بررسی شد و مشخص شد که عبدالله بن معاویه از شخصیت‌های مهم شیعه در نیمه اول قرن دوم و از نزدیکان اهل بیت علیهم السلام بود. قیام وی در کوفه و ایران

۱. شعر قاضی تنوخی (۳۹۵) درباره ابن معاویه خطاب به عباسیان، گفتی که شما خون زید را به هدر دادید و شما تنبیل بودید و به او دروغ گفتید. بگذار تا من به هر دروغ‌گویی هدیه‌ای ببخشم. ابن جعفر قیام نکرد، مگر اینکه از هر گوشه‌ای بنیان مرگ را در هم کوبید. در میان ستم‌ها بارید و در سرزمین فارس باعث ابرهای مرگ بود. تا اینکه داعیان شما عباسیان تیرهایشان به او اصابت کرد. تیرهای نیرنگ که توانستند او را از بین ببرند. (راضی، ۳۹۶)

۲. مردی پیشی عبدالله بن معاویه آمد و گفت: «یا بن رسول الله! این حکیم اعور در شعرهایش شما را هجو گفته و در میان مردم کوفه پخش می‌کند. عبدالله گفت: آیا چیزی از اشعار او را می‌توانی برابم بخوانی؟ و آن مرد دو بیت زیر را خواند:

صلبنا لکم زیداً علی جذع نخلة و لم نر مهدياً علی الجزع یصلب
و قسم بعثمان علیاً سفاهة و عثمان خیر من علی و اطیب

ترجمه: ما مجاهد همدان زید بن علی را به دار کشیدیم و هیچ ندیدیم که مهدی به دار کشیده شود و بعد هب را به روز، سیاهی و تپاهی را به نور ترجیح دهد و به مدح هب می‌پردازد. ابن معاویه دست‌هایش را به سوی آسمان بلند کرد، در حالی که از ناراحتی سخت می‌لرزید، گفت: خدایا! اگر این اعور دروغ می‌گوید، سگی را بر او مسلط کن. مولی نگشید که شیری، اعور را طعمه خویش ساخت و وی کشته شد (صحتی سردرودی، ۱۳۷۳)





به هواداری از تشیع و به دنبال قیام‌های زیدبن علی و یحیی بن زید، پدر و برادر همسرش انجام گرفت.

اواخر عصر اموی، سرشار از قیام‌های گروه‌ها و شخصیت‌های گوناگون در جهان اسلام بود به طوری که از خراسان و ماوراءالنهر تا مغرب اسلامی و اندلس نمود آن را می‌توان یافت. از جمله این قیام‌ها، قیام زیدبن علی در سال ۱۲۲ هـ.ق در کوفه و قیام یحیی بن زید در سال ۱۲۵ هـ.ق در خراسان بود که هر دو در نهایت توسط حاکم اموی سرکوب شدند. شیعیان کوفه که هنوز از شکست زیدبن علی پس از اعلام قیام و تنها گذاشتن او سرافکنده بودند، در صدد اعاده حیثیت خود و انتقام خون زید و یحیی برآمده بودند. ایشان با انگیزه بسیار بالا، خود را برای قیام علیه امویان آماده می‌کردند و در جست‌وجوی رهبری از خانواده زید بودند. فرزندان زید برای ادامه قیام‌های زیدی کوچک بودند. یحیی که پیش‌تر شهید شده بود و دیگر فرزندان زید نیز در سنین خردسالی بودند. به همین دلیل، عبدالله بن معاویه که داماد زید و همسر خواهر یحیی و از خانواده جعفر بن ابی طالب بود، رهبری قیام علیه امویان را برعهده گرفت. این علت در هیچ‌یک از منابع تاریخی و فرقه‌نگاری نیامده است. شخصیت و قیام عبدالله بن معاویه، پس از مرگ و سرکوب قیام وی متأثر از گروه‌های گوناگون مخالف او بود. هریک از این گروه‌ها احوالات عبدالله بن معاویه را به گونه‌ای گزارش دادند که برای خود ایشان مشروعیت بخش باشد.

فهرست منابع

۱. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۳). *المعارف*. محقق: ثروت عکاشه. القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۴۱۲ هـ.ق). *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*. محقق: محمد عبدالقادر عطا، ومصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن حزم، ابومحمد علی (۱۴۱۶ هـ.ق). *الفصل فی الملل والاهواء والنحل*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن خیاط، خلیفه ابوعمر (۱۴۱۵ هـ.ق). *تاریخ خلیفه بن خیاط*. محقق: فواز. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ هـ.ق). *تاریخ مدینه دمشق*. محقق: شیرین. علی. بیروت: دارالفکر.
۷. ابوشیخ، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ هـ.ق). *طبقات المحدثین باصبهان والواردین علیها*. محقق: عبدالغفار سلیمان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ هـ.ق). *کشف الغمّه فی معرفه الاثمه*. قم: رضی.
۹. ازدی، یزیدبن محمد (۱۴۲۷ هـ.ق). *تاریخ موصل*. محقق: احمد عبدالله محمود. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰). *المقالات والفرق*. محقق: مشکور، محمدجواد. تهران: علمی- فرهنگی.
۱۱. اشعری، ابوالحسن (۱۳۶۲). *مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین*. مترجم: مویدی، محسن. تهران: امیرکبیر.
۱۲. اصفهانی، ابونعمیم احمد بن عبدالله (۱۴۱۰ هـ.ق). *تاریخ اصبهان*. محقق: سیدکسروی، حسن. بیروت: دارالکتب العلمیه.



۱۳. اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین (۱۳۳۹). *مقاتل الطالبيين*. مترجم: فاضل، جواد. تهران: علمی.
۱۴. اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین (۱۴۱۵ ه.ق). *الاغانی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. آذری مهر، مریم (۱۳۹۲). *آسیب شناسی جنبش های علویان در دوره اول عباسی*. شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
۱۶. آیینی‌وند، صادق (۱۳۶۸). *مکتب تاریخ نگاری طبری*. نشریه کیهان اندیشه، ۵ (۷۵)، ۲۲-۳۱.
۱۷. آیینی‌وند، صادق (۱۳۸۷). *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. باقری، محمد (۱۴۰۱). *حیات فکری و سیاسی عبدالله بن معاویه*. مشهد: کتیبه میراث شیعه.
۱۹. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۳۸۸). *الفرق بین الفرق در تاریخ مذاهب اسلام*. مترجم: مشکور، محمدجواد. تهران: اشراقی.
۲۰. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ه.ق). *انساب الاشراف*. محقق: زکار، سهیل. بیروت: دارالفکر.
۲۱. بلعمی، محمد بن محمد (۱۳۷۳). *تاریخ نامه طبری*. محقق: روشن، محمد. تهران: البرز.
۲۲. بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۳). *ریشه های فکری و سیاسی جنبش های کیسانی و نقش آن در زوال خلافت اموی*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر (۱۴۲۴ ه.ق). *الحيوان*. محقق: محمد باسل عیون السود. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۴. جعفریان، رسول (۱۳۹۳). *تاریخ خلفا*. قم: دلیل ما.
۲۵. خضری، احمد رضا (۱۳۹۱). *تشیع در تاریخ*. قم: معارف.
۲۶. خوارزمی، محمد بن احمد (۱۴۲۸ ه.ق). *مفاتیح العلوم*. محقق: عبدالامیر اعسم. بیروت: دارالمناهل.
۲۷. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳ ه.ق). *تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*. محقق: عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۸. راضی، عبدالحمید (۱۳۹۶). *شعر عبدالله بن معاویه*. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۹. زبیری، ابوعبدالله المصعب بن عبدالله بن المصعب (۱۹۵۸). *نسب قریش*. محقق: اوارست لیفی بیروفیسال. قاهره: دارالمعارف.
۳۰. سلطانی، مصطفی (۱۳۹۶). *تاریخ و عقاید زیدیه*. قم: آدیان.
۳۱. شامی، فضیلت (۱۳۶۷). *تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری*. مترجم: ثقفی، محمد. و مهدی پور، علی اکبر شیراز: دانشگاه شیراز.
۳۲. شعبان، محمد عبدالحی (۱۳۸۶). *فراهم آمدن زمینه های سیاسی و اجتماعی نهضت عباسیان در خراسان*. مترجم: ترکمنی آذر، پروین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۳. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم بن احمد (۱۳۸۷). *ملک و نحل*. محقق: جلالی نایینی، محمدرضا. تهران: اقبال.
۳۴. شیخ نوری، محمد امیر (۱۳۸۸). *تاریخ اسلام در آسیای مرکزی تا حمله مغول*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۵. صحتی سردرودی، محمد (۱۳۷۳). *کمیت اسدی حدیث حریت*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۶. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الأمم والملوک*. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث.
۳۷. علیزاده، رجیملی (۱۳۹۷). *نیامدهای اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی مهاجرت علویان به ایران تا برآمدن آل بویه*. تهران: دانشگاه معارف اسلامی.
۳۸. غضنفری، سعادت (۱۳۸۹). *ب بررسی تطبیقی قیام های شیعی عصر اموی و علل عدم توفیق آنها*. زنجان: دانشگاه زنجان.
۳۹. غلامی، زینب (۱۳۹۳). *قیام های علویان در ایران از آغاز خلافت عباسی تا پایان قرن سوم*. خرم آباد: دانشگاه لرستان.
۴۰. قاضی، وداد (۱۳۹۵). *کیسانیه تاریخ ادبیات*. مترجم: موسوی خلخالی، احسان. تهران: رابزن.
۴۱. قاضی نعمان (۱۴۰۹ ه.ق). *نعمان بن محمد. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*. قم: جامعه مدرسین.
۴۲. کرم اللهی، ابوذر (۱۳۹۰). *الیام های شیعی ماهیت سبک رهبری و شیوه های جلب اطاعت*. قم: شیعه شناسی.
۴۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ه.ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۴. محلی، حمید بن احمد (۱۴۲۳ ه.ق). *الحدائق الوردیه فی مناقب الائمه الزیدیه*. محقق: مرتضی بن زیدالمحطوری الحسینی. صنعاء: مطبوعات مکتبه مرکز بدر.
۴۵. مختار اللهی، سمیره (۱۳۸۴). *جهاد شیعه در دوره اول عباسی*. مترجم: حاجی تقی، محمد. قم: شیعه شناسی.
۴۶. مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۹). *تجارب الامم*. محقق: امامی، ابوالقاسم. تهران: سروش.

۴۷. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۹۱). فرق الشیعه. مترجم: مشکور، محمد جواد. تهران: علمی-فرهنگی.
۴۸. ولوی، علی محمد (۱۳۶۷). تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی. تهران: بعثت.